

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نېاشد تن من مېباد بدین بوم و بر زنده یک تن مېباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Iran's M.

آئینه ایران

شمی صلواتی
۰۴ نومبر ۲۰۱۳

که انسان مقدستر است از هر چیز.

بعد از اعدام حبیب و اعدام دیگر انسانها، که انتقامجویی جمهوری اسلامی در زندانها بود! اظهار نظر هائی در فضای مجازی به صورت نفرت انگیز خواسته یا ناخواسته در دفاع از جمهوری اسلامی بر صفحات فیس بوک و با عکس حبیب گلپری پور نقش بست و آنقدر غم انگیزه و فاجعه بار بود که مرا به تحریک واداشت تا با نگاهی به گذشته و با مطرح کردن این سوال؟ که چرا «هنوز» در ایران دریای خون جاریست و لمپنیزم اسلامی هنوز بر این جامعه هفتاد میلیونی حاکم است، بپردازم و این مسخ شدگان ایرانی را به نبرد فراخوانم.

ابتدا با ذکر یک خاطره در سال ۱۹۹۰ از آلمان!

همراه یکی از رفقایم با علاقه تازه وارد یک سوپر مارکت ایرانی شدیم. فروشنده به آرامی حرف می زد و گاهی گاهی آب دهانش همچون آبشار کوهستان به سوی ما پرت می شد برای جلب مشتری چون گرمی داشت و مارا تشویق به خرید می کرد که رفیق «شانه ای به من زد و گفت یارو خودش» یعنی چی؟ «می گم ، تریاکیه بابا». خوب که باشه . «ای بابا محض اطلاع گفتم» اما فروشنده بدون توجه به عکس عملهای ما خیلی صمیمی با اسم مرا صدا کرد و گفت «آغا شمی ما خاک ایران آوریم کیلویی ۱۵ مارک است خاک «ایران عزیزه». در جواب رفیقم با زبان طنز گفت «شما چه ایرانی خوبی هستی برای احیاء بساطت، خاک می فروشید» یک مشتری از ته مغازه در جواب رفیقم هم گفت «آره ، چرا که نه؟ دورد به حاج محمود که این کار را می کنه ایران را که از ما گرفتند لااقل بگزر خاکش را در خانه داشته باشیم» من ساکت بودم و یکی دیگر از مشتریها که لحن صمیمی داشت خطاب به حاج محمود گفت «آره ، حاج محمود شب جمعه جای شما خالی ، ما سفره حضرت عباس انداختیم و در کنارش خاک ایران و عکس کورش بزرگ و کتاب فردوسی هم گذاشتم چکارکنیم وقتی ایران را از ما گرفتند اینها تنها چیزهای است که باید به آن دل خودش کنیم» و ما بدون این که خرید کنیم با رفیقم از مغازه زدم بیرون / در حالی که از این مضحکه سخت آزرده بودم/ رفیقم با لحنی حق به جانب گفت «تو که همیشه حاضر جوابی؟ وقتش بود که بروی توی اعصاب این سلطنت طلب ها» ولی سکوت کردی چرا؟ در جواب، گفتم چی باید می گفتم وقتی که اینها مسخ شدن و در اوج حقارت برای ارضا شدن به هر چیزی چنگ می اندازند .

در بعضی از صفحات سلطنت طلبها از اعدام حبیب گلپری پور و انتقام جویی جمهوری اسلامی از بلوچها راضی بودند به خصوص تا آنجا پیش رفتند که در کنار جمهوری اسلامی ایستادند اینها مسخ شدگان و نفرین شدگان تاریخ

هستند قومی که آینده ندارند و فقط با سرمایه گذاری روی مرده هائی که هزاران سال پیش دفن شده خود را ارضاء می کنند. در زندگی خصوصی شان هم در تناقضات غرق اند. مسلمان اند و به زرتشت افتخار می کنند/ از یک سو بر این باور اند که عرب آدم نیست از یک سوی دیگر سفره حضرت عباس می اندازند . اما در حقیقت اینها هیچ مقدسی ندارند فقط گم شدگان حقیری اند، چه مأیوس کننده و بی شرمند این گروه از انسانها .

چه تجزیه طلبی چه قاچاقی و چه قتل نمی تواند حکم اعدام را توجیه کند چرا که حکم اعدام یعنی سلب حیات و این بزرگترین جنایت در حق جامعه بشریست. سران جمهوری اسلامی قاتل و جانی اند. و حق قضاوت ندارند.

زیادی سرزنشم نکنید. اگر می خواهید به یک جامعه انسانی دسترسی پیدا کنیم ابتداء باید خط قرمزها را در هم بشکنیم و مقدسات را در زبانه دان جاهلیت دفن کنیم خاک و نژاد... دین و سنتهایش مانع پیش رفت عقل و منطق است. ما باید انسانی فکر کنیم و هر چیزی را که در تناقض با ارزشهای انسانی است، به نقد بکشیم. قبل هر چیز ما انسانیم.

از دیار دور

از میان جنگهای تن به تن آدم

باگذر کوچه های فقر

از دشتهای خونین تا بگونیم

که انسان مقدستر است از هر چیز.

شمی صلواتی ۲نومبر ۲۰۱۳